استانداردهای ملی و بین المللی iso 9000 و فرآورده های کشاورزی

محمدی، فرهاد

مقدمه

بخش کشاورزی با توجه به پتانسیلهای‏ بالقوه خود نقش مهم و سرنوشت‏سازی‏ را در تامین استقلال و فرآیند توسعه داشته‏ و از جایگاه ویژه‏ای در اقتصاد کلان‏ کشور برخوردار است.

تنوع آب‏وهوایی کم‏نظیر کشورمان، امکانات قابل توجه در خاک مناسب‏ کشاورزی،تنوع و میزان تولید محصولات‏ کشاورزی و توجه به اینکه این بخش بستر فعالیت اقتصادی نزدیک به نیمی‏ از جمعیت کشور است و وابستگی کمتر به‏ تکنولوژی پیچیده از جمله مشخصه‏های‏ مهم آن محسوب می‏شود.

در برنامه اول توسعه کشور ارزش افزوده‏ بخش کشاورزی از متوسط رشد 95/5 درصد برخوردار سهم این بخش از تولید ناخالص ملی( GNP )به متوسط 27 درصد رسیده است.بخش کشاورزی در طول‏ برنامه اول سهمی معادل 25-20 درصد از صادرات غیر نفتی را دارا بوده‏ و رشد صادرات محصولات کشاورزی 5/12 درصد بیش از هدف تعیین شده برنامه‏ بوده است.برای برنامه دوم نیز رشد میانگین سالانه 2/11 درصد پیش‏بینی‏ شده است.

با محوریت این بخش در برنامه دوم‏ توسعه از 5/27 میلیارد دلار صادرات‏ پیش‏بینی شده برای برنامه دوم 63/5 میلیارد دلار برای بخش کشاورزی‏ در نظر گرفته شده است.

در سال گذشته(74)سال اول برنامه دوم‏ از ارزش صادرات محصولات کشاورزی‏ نسبت به سال 73،22 درصد کاسته‏ شد و کل صادرات این بخش به 773 میلیون دلار کاهش یافت.ضمنا"ارزش‏ صادرات بخش کشاورزی به 4/1 میلیارد دلار رسید.

با توجه به توانائیهای صادراتی بخش‏ کشاورزی از نظر منابع(تاکنون 10 درصد از منابع آب و خاک برای محصولات‏ صادراتی استفاده شده است)و مزیت‏های‏ نسبی محصولات کشاورزی در حال‏ حاضر برای صادرات لزوم توجه به نقاط قوت و تقویت آنها در رفع مشکلات‏ و ضعفهای موجود و چاره‏اندیشی اساسی‏ و مناسب برای آنها را بیش از گذشته‏ ضروری ساخته است در بازارهای جهانی‏ نیز فرآورده‏های کشاورزی ایران با سه‏ مسئله مهم عضویت در سازمان تجارت‏ جهانی( WTO )و تبعات آن در کوتاه‏مدت‏ و بلند مدت و پیش‏بینی‏های لازم‏ و برنامه‏ریزی برای آن،لزوم به کارگیری‏ استانداردهای قابل قبول بین المللی‏ (از سال 1997 استانداردهای‏ ایزو 9000 در جامعه اروپا به عنوان حد اقل‏ قابل قبول برای واردات‏ مد نظر هستند)و پیوستن به تجارت‏ الکترونیک( EDI )و بهره‏مندی از مزایای‏ آن حد اکثر تا پایان نیمه دوم 1990 و تغییر ساختار بازرگانی سنتی روبروست‏ که بحث استانداردها موضوع اصلی این‏ مقاله را تشکیل می‏دهد.

نگاهی کلی به بازار جهانی خشکبار و ادویه‏ها و سهم‏ ایران در تولید و روش عرضه

با توجه به ارزش 65-55 درصدی‏ خشکبار،میوه‏های خشک و ادویه‏ها در صادرات محصولات کشاورزی و سهم‏ 5/13 درصدی آن در کل صادرات غیر نفتی‏ کشور در پایان برنامه اول توسعه(73)به‏ عنوان بخش اول این مطالعه انتخاب شد.

طبق اطلاعات موجود تجارت جهانی‏ خشکبار دارای بازاری بزرگ و چند میلیارد دلاری است و بسیاری از کشورها قصد دارند سهمی در آن به دست آورده‏ یا سهم خود را در آن افزایش دهند از این‏ رو رقابت در این بازار شدید است.

یا بررسی کشورهای عمده تولیدکننده‏ خشکبار،ملاحظه می‏شود که به جز چین‏ و ترکیه که از کشورهای در حال توسعه‏ هستند،بقیه کشورهای توسعه یافته‏ای‏ هستند که با کلیه تجهیزات روز نظیر بسته‏ بندی زیبا،تبلیغات،اعتماد خریداران، رعایت آخرین استانداردهای بهداشتی‏ و زیست محیطی(در مورد محصول،فرآیند تولید محصول،بسته‏بندیها و بازیافت‏ آنها)سیاستهای هماهنگ و تقریبا"ثابت‏ در زمینه‏های عرضه مستمر و سر وقت، رعایت قیمتهای مناسب و تثبیت شده‏ و بدون نوسانات شدید در کوتاه‏مدت، تشکل‏های صنعتی دارای قدرت چانه‏ زنی،وجود قیمتهای تضمینی خرید از تولیدکنندگان و...در صحنه تجارت‏ بین المللی حضور دارند.

ایران نیز از دیر باز در صحنه‏های بازار جهانی خشکبار حضور داشته است. براساس آمار سال 1994 ایران بزرگترین‏ تولیدکننده پسته،خرما،زعفران،زرشک‏ بی‏دانه و بزرگترین صادرکننده زیره سبز، سومین تولیدکننده کشمش،سومین‏ تولیدکننده گردو،چهارمین تولیدکننده‏ بادام و پنجمین تولیدکننده فندق در جهان‏ است.

در زمینه برگه‏های میوه و بویژه زردآلو، هلو و قیسی و همچنین انجیر خشک‏ نیز از تولیدکنندگان مهم به شمار می‏رود.

اما در زمینه قیمت در بازارهای جهانی‏ ایران نقش تعیین‏کننده نداشته و اکثر محصولات خشکبار و ادویه‏های ایران‏ با توجه به عدم رعایت استانداردهای‏ بهداشتی و زیست محیطی و پایین بودن‏ کیفیت،عدم توجه و سرمایه‏گذاری لازم‏ در بسته‏بندی‏های مصرف‏کننده، تبلیغات و حضور مستمر در بازارهای جهانی‏ و عدم تحقیقات بازاریابی و بازارشناسی‏ کافی و مناسب،کمبود تحقیقات لازم برای‏ بهبود کیفیت و شناسایی واریته‏ها،روشهای‏ کشت و عدم به کارگیری تکنولوژی جهت‏ عمل‏آوری،به صورت فله به بازارهای‏ جهانی عرضه شده است.

آمار تولید و صادرات خشکبار و ادویه ایران و تولید جهانی

برای تعیین سهم تولید و میزان صادرات‏ کشورمان،مهمترین اقلام صادراتی‏ خشکبار،میوه‏های خشک‏ و ادویه‏ها در طول برنامه اول توسعه‏ (73-68)مورد بررسی قرار گرفت. و با مقایسه میزان تولید داخلی‏ و آمار تولید جهانی(94-89)نتایج هریک‏ به صورت زیر مشخص شد:

الف-خشکبار و میوه‏های‏ خشک

1)پسته:میزان صادرات پسته‏ و مغز پسته از 46/68 به 86/117 هزار تن‏ و ارزش آن از 16/279 به 29/435 میلیون‏ دلار رسیده است.ایران به عنوان بزرگترین‏ تولیدکننده و صادرکننده پسته در جهان‏ در این مدت تولید خود را از 130 هزار تن به‏ 230 هزار تن رسانیده است.که از این‏ مقدار تولید به‏طور متوسط 50 درصد آن‏ صادر می‏شود.تولید جهانی پسته نینز از این‏ 235 به 395 هزار تن بالغ شده است.

2)بادام:میزان تولید کشورمان به عنوان‏ چهارمین تولیدکنده عمده جهان‏ از 52/66 به 87/99 هزار تن و میزان‏ تولید جهانی آن بین 1198 تا 1272 هزار تن بوده است.میزان صادرات بادام‏ با پوست و بدون پوست از 46/1224 به‏ 4254 تن و ارزش آن از 9/1 میلیون دلار به‏ 3/9 میلیون دلار رسیده است.میزان‏ صادرات بادام بین 2 تا 4 درصد تولید را شامل شده است.

3)گردو:میزان تولید ایران به عنوان‏ سومین تولیدکننده از 64 به 117 هزار تن‏ افزایش یافته است.و میزان تولید جهانی‏ آن بین 900 تا 1087 هزار تن بوده است. میزان صادرات گردو با پوست و بدون‏ پوست از 84/94 تن به 2472 تن و ارزش‏ آن از 5/228 هزار دلار به 175،5میلیون‏ دلار رسیده است.میزان صادرات گردو بین‏ 5/1 تا 2 درصد تولید را شامل شده است.

4)فندق:میزان تولید کشورمان به عنوان‏ پنجمین تولیدکننده عمده جهان از 4020 به 12758 تن افزایش پیدا کرده است.

میزان صادرات فندق با پوست و بدون‏ پوست از 84 تن به 76/176 تن و ارزش آن‏ از 9/115 به 293 هزار دلار رسیده است. میزان صادرات فندق بین 3/1 تا 2 درصد تولید بوده است.

5)کشمش:میزان تولید کشمش با توجه‏ مقام سوم ایران در بین تولیدکنندگان‏ عمده کشمش جهان 60 تا 90 هزار تن‏ و میزان تولید جهانی بین 519 تا 600 هزار تن در نوسان بوده است.میزان‏ صادرات انواع کشمش نیز از 30/13 به‏ 22/78 هزار و ارزش آن 56/9 به 78/51 میلیون دلار رسیده است.

6)خرما:میزان تولید کشور با توجه به‏ رتبه اول ایران در جهان بین 516 هزار تا 774 هزارتن و میزان تولید از 43/3 تا 04/4 میلیون تن در جهان رسیده است. میزان صادرات انواع خرما نیز از 31/12 51/134 هزار تن و میزان ارزش آن از 8/7 به 36/62 میلیون دلار رسیده است.میزان‏ صادرات بین 2 تا 5/17 درصد تولید را شامل‏ شده است.

7)انواع برگه‏ها:برگ‏های زردآلو و هلو با توجه به مشخص بودن‏ آمار صادرات مدنظر قرار گرفت.ایران‏ در تولید زردآلو سومین تولیدکننده عمده‏ جهان و در تولید هلو نیز از عمده‏ تولیدکنندگان جهان بشمار می‏رود.میزان‏ صادرات کشورمان بین 4/102 هزار تن‏ تا 06/3 میلیون تن و ارزش آن بین 132 هزار دلار تا 99/2 میلیون دلار بوده است.

8)انجیر خشک:میزان تولید انجیر کشور از 1/53 به 94 هزار تن رسیده است. میزان صادرات انجیر خشک نیز از 99 به‏ 4/2573 تن و ارزش آن از 78 هزار دلار به 2 میلیون افزایش یافته است.ایران‏ از تولیدکننگان عمده انجیر خشک جهان‏ بشمار می‏رود.

9)مغز هسته هلو و زردآلو:میزان صادرات‏ مغز هسته زردآلو و هلو از 9 تن به 45 تن‏ و ارزش آن از 7416 دلار به 196/303 هزار دلار رسیده است.

10)زرشک بی‏دانه:ایران بزرگترین‏ تولیدکننه این محصول در جهان بوده‏ و میزان تولید آن از 4364به 5291 تن‏ رسیده است.میزان صادرات آن‏ کمتر از 1%تولید بوده و آمار صادرات آن‏ در سالنامه‏های گمرک به‏طور جداگانه درج‏ نشده است.

ب-ادویه‏ها

1)زعفران:میزان تولید کشورمان با توجه‏ به مقام اول تولید جهان بین 8/58 تا 8/132 تن بوده است.ایران در فاصله‏ سالهای فوق به‏طور متوسط حدود 60 درصد تولید جهانی را در اختیار داشته است. میزان صادرات رسمی از 4 تن به 65 تن‏ و ارزش آن از 5/1 میلیون به 76/23 میلیون‏ دلار رسیده است.در پایان برنامه اول‏ میزان صادرات و اقعی به حدود 80 درصد تولید رسیده است.

2)زیره سبز:میزان تولید کشورمان‏ از حدود 10700 تن به 54598 تن رسیده‏ است و میزان صادرات آن با توجه به مقام‏ اول صد ور جهان به‏طور نسبی،بین‏ 10833 و 3166 تن و ارزش آن از 22/12 تا 12/3 میلیون دلار در نوسان بوده است.

3)فلفل قرمز و سایر انواع آن:میزان‏ صادرات فلفل سیاه تنها در یک سال‏ گزارش شده اما فلفل قرمز و انواع دیگر بین‏ 30 تا 360 تن و ارزش آن بین 6300 تا 484344 دلار نوسان بوده است.میزان‏ صادرات انواع فلفل در جهان از 207 به‏ 260 هزار تن رسیده است.

آنچه از این بررسی مشخص می‏شود این‏ است که در زمینه صادرات خشکبار و ادویه‏ها اگرچه در مواردی با توجه به‏ میزان تولید گوشه‏ای از توانائیهای بالقوه‏ به بالفعل درآمده‏اند اما در موارد بیشتری‏ این توانائیها تاکنون بالفعل درنیامده‏ اند و بی‏شک در سالهای آینده برای‏ افزایش صادرات در هر دو مورد نیاز به‏ حضور با کیفیت فرآورده و یا برقراری‏ سیستم‏های کیفیت مدیریت در تولید و فراوری خواهیم داشت.

مشکلات کیفیت و نیازهای استاندارد فرآورده‏های‏ کشاورزی در تولید و تجارت جهانی

کشورهای عمده تولیدکننده خشکبار که‏ برخی بالفعل و برخی بالقوه از رقبای مطرح‏ در بازارهای جهانی این محصولات‏ محسوب می‏شوند عبارتند از:آمریکا، ترکیه،اسپانیا،ایتالیا،یونان،چین،به‏ غیر از چین که از تازه واردین به‏ بازار خشکبار است و هنوز(بجز در بازار خرما) از سهم قابل ملاحظه‏ای در بازار برخوردار نیست،بقیه همه کشورهای‏ هستند که در مورد یک یا چند محصول‏ مورد اشاره از پرتحرک‏ترین رقبای ما به‏ شمار می‏روند.کشورهای استرالیا،آفریقای‏ جنوبی و شیلی که بویژه در بازار کشمش‏ مطرح می‏باشند سعی دارند در سایر اقلام‏ هم به تولیدات قابل عرضه‏ای در سطح‏ جهان دست یابند.در مورد ادویه‏ها بخصوص زعفران و زیره سبز، اسپانیا در زعفران و ترکیه و سوریه در زیره‏ سبز از رقبای اصلی ما بشمار می‏روند که‏ در مورد کیفیت و بسته‏بندی بخصوص‏ با پیشرفتهایی که داشته‏اند محصول‏ مطلوبتری به بازارهای جهانی عرضه‏ کرده‏اند.با توجه به فاکتور مهم کیفیت‏ در مورد خشکبار و ادویه‏ها برای رقبای‏ اصلی و مطرح ما بجاست توجه بیشتری به‏ مسئله کیفیت فرآورده‏های ذکر شده‏ معطوف شود.به‏طور کلی مهمترین موانع‏ مشکلات فرآورده‏های کشاورزی‏ مورد بررسی را می‏توان بدین‏گونه عنوان‏ نمود:

در بخش کشاورزی به دلیل توجه کم، اصول بازاریابی تولید و گسترش‏ محصولات کشاورزی تحت تقاضای‏ حقیقی رشد نیافته است و به‏طور کلی به‏ فرآیند تولید تا توزیع،بازاریابی و اصول‏ مدیریت بازارهای داخلی و خارجی‏ کمتر توجه شده است.

همچنین سود تجاری تولید به‏ کشاوری و تولیدکننده به دلیل‏ حضور واسطه‏ها و دلالان و مشکلات‏ سیستمی کمتر انتقال یافته است‏ و بنابر این انگیزه‏های توجه به کیفیت‏ بالا نیست.بعلاوه عدم سرمایه‏گذاری‏ کافی در این بخش در داخل و با توجه به‏ عدم ثبات قوانین و موانع حقوقی امکان‏ سرمایه‏گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی‏ لازم نیز جهت فرآوری محصولات‏ کشاورزی کمتر میسر شده است.و بلاخره‏ به دلیل کمبود آموزش و توجه به مسائل‏ ترویج و بهبود روشهای کشت به کشاورزان‏ در کیفیت تولید نیز تغییرات لازم صورت‏ نگرفته است.

از طرقی در بازارهای خارجی‏ صادرکنندگان این گروه در سالهای گذشته‏ از دیدگاه کلانگری و آینده‏نگری کافی‏ در مورد کیفیت و کمیت محصول و خواست‏ گروه مصرف‏کنندگان در بازارهای جهانی‏ برخوردار نبوده‏اند و این مسئله باعث شده‏ است که زیان اصلی آن متوجه کشورمان‏ گردد.

عدم مطالعه کافی برای ورود به بازارهای‏ مختلف و ناآشنایی صادرکنندگان‏ با مقررات استاندارد بازارهای مصرف‏ و تغییرات قوانین داخلی باعث شده که‏ فرآورده‏های کشاورزی در بسیاری از موارد با مشکل ورود یا حضور مستمر برخوردار نبود و صد ور یکباره‏ و محدود و یا مقطعی آنها را مشاهده باشیم. همچنین به علت عدم وجود تشکل‏های‏ صادراتی با حضور تولیدکنندگان، صادرکنندگان و کارشناسان با تجربه باعث‏ شده است که برنامه‏ریزی جهت مسائل‏ مختلف کشت،تولید،بسته‏بندی، بازاریابی و مدیریت بازارهای جهانی‏ و ارائه راه حلهای مناسب جهت‏ بهبود کمیت و کیفیت صادرات امکانپذیر نگردد.و بالاخره عدم مطالبقت برخی‏ از استانداردهای اجباری فرآورده‏های‏ مرود بررسی با استاندارد کشورهای‏ واردکننده را می‏توان از جمله مشکلات‏ در بازار جهانی به حساب آورد.

نگاهی به استانداردهای ملی فرآورده‏های کشاورزی

بررسی نشان می‏دهد که در بخش‏ مورد مطالعه فرآورده‏های کشاورزی برای‏ اقلام صادراتی زیر استاندارد اجباری‏ در نظر گرفته شده است:بادام سنگی، پسته،گردو،فندق،مغز بادام،مغز پسته، مغز گردو،مغز هسته زردآلو،مغز هسته هلو، آلوی خشک،برگه زردآلو،هاووقیسی، انواع کشمش،انواع خرما،انجیر خشک، زعفران،زیره و فلفل.

به علاوه آئین کار و ضدعفونی‏ خشکبار و حبوبات و آئین کار تهیه کشمش‏ و خرما از مرحله برداشت محصول‏ تا بسته‏بندی نیز تدوین و ارائه شده است. استاندارهای ملی به خصوصیات، ویژگیها و آزمون محصول نهایی توجه‏ دارند.

فقط در مورد کشمش و انواع خرما به‏ مرحله برداشت تا بسته‏بندی توجه‏ و استاندارد آن تدوین شده است و بقیه‏ موارد نامبرده را شامل نمی‏شود.آنچه‏ از مطالعه استاندارها مشخص‏ می‏شود آنکه بخشهای بسته‏بندی‏ و نشانه‏گذاری استاندارد هر محصول‏ باید مطابق با پیشرفتهای تکنولوژی‏ و شیوه‏های مورد قبول بازارهای جهانی‏ باشد.بعلاوه وزن و لوازم بسته‏بندی‏ مطابق با بسته‏بندیهای بزرگ و فله‏ با مشخص کردن حد اکثر اندازه وزن‏ و بسته‏بندی مصرف‏کننده پیش‏بینی‏ شده است.اما پیش‏بینی خصوصیات‏ و ویژگیهای بسته‏بندی مصرف‏کننده‏ نیز با توجه به بازارهای مصرف باید مدنطر استاندارهای ملی بیش از پیش قرار گیرد.

همچنین به نظر می‏رسد بخشهای‏ ویژگیها،آزمون،بسته‏بندی‏ و نشانه‏گذاری با توجه به قابل قبول بودن‏ خارج از استاندارد و قانون‏مند بودن آن‏ در صورت عدم مغایرت با قوانین استاندار کشور خریدار،باید از هماهنگی بیشتری‏ با استاندارهای بالاتر در مورد اقلام‏ ذکر شده برای بازارهای پیشرفته‏ برخوردار باشد.

بی‏شک به کار بستن دقیق‏ استاندارهای ملی و کنترل منظم‏ داندگان استاندار ملی نقش بسزایی‏ در امکان دسترسی به بازارهای بین المللی‏ و ارائه مطلوب فراورده به بازارهای خارجی‏ و بالا بردن درآمد ارزی خواهد داشت.

صادرکنندگان نیز به استاندارها به عنوان‏ یک اجبار بلکه با توجه به استانداردها و پیشنهاد تغییرات لازم در آنها،عمل به‏ استانداردها را به عنوان ابزاری جهت ارائه‏ مطلوب جهت حضور مستمر خود در بازارهای جهانی داشته و همکاری لازم‏ در این زمینه باید بیش از پیش معمول‏ دارند.

نقش استانداردهای بین المللی در تجارت جهانی و ایران

همگام با جهانی شدن تجارت و درهم‏ شکستن مرزهای جغرافیائی در مناسبات، اقتصادی و تجاری که کامیابی و توسعه‏ پایدار موسسات تولید تجاری بیش‏ از پیش به عواملی مانند نواوری‏ در محصول،کیفیت برتر و قیمت رقابتی وابسته می‏شود که این امر ضرورتهای‏ جدیدی را به بنگاههای اقتصادی دیکته‏ می‏کند که هرچند در آغاز دشواریهایی را به‏ همراه دارد،اما در درازمدت دستاوردهای‏ چشمگیری،برای آنهایی که خود را به‏ موقع مهیای پذیرش این ضرورتها کرده‏اند،به ارمغان می‏آورد.

تاکید و توجه به فرایند کیفیت و فرآورده‏ از جمله این ضرورتهاست.امروزه در عرصه‏ بین المللی رعایت استانداردهای کیفی‏ در تولید و ارائه محصولات از چنان اهمیتی‏ برخوردار است که سازمان‏ استاندارد بین المللی( ISO )را بر آن داشت‏ که در سال 1987،استانداردهای جهانی‏ نظام کیفیت مرسوم به استانداردهای‏ ایزو 9000 را تدوین و ارائه نماید.

رعایت این استانداردها آنچنان اهمیتی‏ یافته است که اکثر کشورهای اروپایی، رعایت این استانداردها و کسب گواهینامه‏ مربوط به آن را شرط اولیه در دادوستدهای‏ خویش اعلام کرده‏اند.جامعه اروپا نیز برای‏ واردات خود از سال 1997 استاندارد سری ایزو 9000 را به عنوان حد اقل کیفیت‏ محصولات وارداتی اعلام نموده‏اند.موج‏ به کارگیری این استانداردها،در حال‏ حاضر بسیاری از کشورهای صنعتی شرق‏ آسیا،اقیانوسیه و امریکای شمالی‏ را نیز فراگرفته است.مطالعات و کاوشهای‏ آماری به عمل آمده در مورد شرکتها که‏ موفق به ایجاد سیستم‏های کیفیت‏ مذکور برطبق استانداردهای‏ ایزو 9000 شده و گواهی لازم را دریافت‏ کرده‏اند مشخص ساخته است که این‏ شرکتها در میزان بهره وری،صادارت، یافتن بازارهای جدید،کاهش‏ هزینه‏ها و نهایتا سودآوری،رشد زیادی‏ داشته‏اند.تمامی استانداردهای ایزو به‏ صورت متناوب مورد تجدید نظر قرار گیرند.

در سال 1990 یک تقسیم کاری ویژه‏ و تخصصی،طرحی استراتژیک را برای‏ سری ایزو 9000 تهیه نمود که به نام‏" دیدگاه 2000"شناخته می‏شود.

دیدگاه 2000 اولین بازنگری در مرحله‏ای‏ سری ایزو 9000 را طرح‏ریزی و معرفی‏ کرد.که طی دهه 1990 می‏بایستی‏ طراحی شده و به کارگیری و اجرا شوند. دست‏یابی به این طراحی و سپس به‏ کارگیری و اجرا به شکل توام و موازی طی‏ مرحله 1 و مرحله 2،خواهد بود.

این مطلب منجر به حدوث دیدگاه 2000 در طریقت و سبک مدیریتی خواهد شد.

بازنگری‏های مربوط به فاز 1 که در سال‏ 1994 منتشر گردید باعث برداشتن اولین‏ گام به سوی دیدگاه 2000 شده است.

رمز و جوهره اصلی بازنگری سال 1994 در ایزو 9000 عبارتست از یک سیکل‏ بهبود مستمر که می‏تواند در قالب دوره‏های‏ چرخه کلاسیک مدیریت یعنی: طرح‏ریزی-عمل-آزمون-اقدام‏ و اجرا تجسم یابد،پیش‏بینی گردیده‏ و انتظار می‏رود که چرخه فوق به شکل‏ واضح و صریح در فاز 2 بازنگری‏ استانداردهای ایزو 9000 به کار گرفته‏ شوند.

برای ما نیز که امروزه با مشکلاتی نظیر تورم،بالارفتن هزینه‏ها و مسئله اشتغال‏ روبرو هستیم با رعایت این استانداردها به‏ دلیل حذف بسیاری از هزینه‏های اضافی‏ در درازمدت منجر به کاهش قیمت تمام‏ شده محصول شده و علاوه بر دست یافتن‏ به محصولاتی منطبق با استانارهای‏ جهانی برای مصرف‏کنندگان داخلی،به‏ ما در بر هم زدن توزیع عادلانه تجارت‏ جهانی و حل بعضی از مشکلات کنونی‏ اقتصاد کشور کمک خواهد کرد.

استانداردهای سری ایزو 9000 و خصوصیات،ویژگیها، مراحل و فعالیتهای اجرائی آن

استانداردهای سری ایزو 9000 مکملی‏ استانداردهای محصول هستند.

مجموعه ایزو 9000 در بر گیرنده مفاهیم‏ و راهنمای جامعه و فراگیر مدیریت کیفیت‏ است که هدف آن نیل به موفقیت‏ در درازمدت از طریق جلب رضایت‏ مشتری و تامین منافع همه اعضای‏ سازمان و جامعه است.این استانداردها با استفاده از طراحی و ایجاد سیستم‏های‏ یکپارچه براساس یک سیستم‏ شماره‏گذاری هماهنگ و متناسب که‏ بسرعت قابل حفظ کردن هستند ارائه‏ گردیده‏اند این ویژگیها بار نیازهای‏ صنعتی و بازرگانی تجارت جاری‏ بین الملی دارای ارزش زیادی هستند.

استانداردهای سری ایزو 9000 تنها بیانگر مشخصات لازم سیستم‏های‏ کیفی است و چگونگی رسیدن به‏ آنها را تعییین نمی‏کند.این استانداردها شامل یک واژه‏نامه(ایزو 8402)،یک‏ راهنمای انتخاب و استفاده‏ از استانداردها(ایزو 9000)،سه مدل‏ تضمین کیفیت(ایزو 9001، ایزو 9002،ایزو 9003)و راهنمایی جهت‏ عناصر سیستم کیفیت و مدیریت کیفیت‏ (ایزو 9004)است.سایر استاندارهای‏ سری ایزو 9000 و ایزو 10000 جهت‏ تشریح و تبیین عناصر و اجرا ذکر شده‏ در سه مدل تضمین کیفیت و بیان‏ توصیه‏ها روش‏ها مورد نیاز تدوین‏ گردیده‏اند.

انتخاب یکی از سه مدل تضمین کیفیت‏ بستگی به عواملی نظیر ماهیت و نوع‏ فعالیت،وضعیت موجود،ساختار سازمانی،اندازه شرکت،مهارت و فرهنگ‏ کاری کارکنان و ویژگیهای بازار و در نهایت‏ قابلیت و توان هر شرکت تولید و یا خدماتی‏ دارد.

استاندارد ایزو 9001 جامعترین استاندارد است که کلیه عناصر بیست‏گانه سیستم‏ کیفیت از طراحی،تولید،مونتاژ،نصب‏ و خدمات پس از فروش را در بر می‏گیرد.استاندارد ایزو 9002 شامل نوزده‏ عنصر است و کنترل طراحی را در بر ندارد.

استاندارد ایزو 9003 مدلی برای تضمین‏ کیفیت و بازرسی نهایی و آزمون است‏ و شانزده عنصر از عناصر بیست‏گانه‏ را در بردارد.از آنجا که به کارگیری و اجرای استانداردهای ایزو 9000 ممکن است‏ باعث تغییرات عمده و اساسی‏ در سیستم‏ها یعملیاتی و فرهنگ کاری‏ شرکت شود مدیریت ارشد باید مسئولیت‏ و رهبری غعالیتهای مربوطه را بر عهده‏ گیرد.

تجربیات و نظرات کارشناسان،عوامل‏ چندی را از معیارهای اصلی و اساسی به‏ نظام حاکم بر مدیریت کیفیت و اجرای‏ استانداردهای ایزو 9000 در واحدهای‏ متقاضی انجام این کار می‏داند که در میان‏ آن عوامل تعهد مدیریت،سازماندهی‏ و تخصیص منابع برای انجام‏ کار،آموزش‏های گسترده‏ و بهبود مستمر سیستم‏های عملیاتی‏ و اطلاعاتی و دارا بودن سیستم کامل‏ مستندسازی و ممیزی را می‏توان نام برد.

برای اجرای استانداردهای ایزو 9000 توجه به اصول موضوعه آن بسیار ضروری‏ است.و در این میان رعایت آرمان این‏ استانداردهای نیز از اهمیت بسزایی‏ برخوردار است که می‏گوید:"ما نمی‏خواهیم‏ محصولاتمان برگشت داده می‏شود.فقط باید به مشتری فکر کنیم."

در اصول رعایت کیفیت،مکتوب نمودن‏ کارهای انجام شده،دقت و بررسی دقیق‏ قراردادها و به روز بودن،صحیح بودن‏ و کنترل اسناد نگهداری شده،شناسایی‏ و ردیابی محصولات،خروج با کیفیت‏ محصولات از شرکت،قابل قبول بودن‏ محصول،کنترل محصولات معیوب، پیشگیری از مشکلات به جای مقابله‏ با آنها،تاثیرات بلند مدت اقدامات‏ زیربنایی در حمل‏ونقل،انبار،بسته‏بندی‏ و تحویل،تهیه و تدوین مدارک کیفی‏ با هدف شناسایی مسائل،ممیزی داخلی‏ کیفی،آموزش و استفاده از روشهای آماری‏ مورد تاکید قرار گرفته است.

به این ترتیب می‏توان به‏طور کلی‏ اجرای استانداردهای ایزو 9000 را از درجه‏ تئوریک و اجرایی مورد توجه‏ قرار داد.

مراحل اجرای استانداردهای‏ ایزو 9000 عبارتند از: 1-ارزیابی اولیه

2-برنامه‏ریزی استراتژیک

3-تعیین خطمشی کیفیت

4-تعریف مسئولیت و اختیارات کیفیت

5-تشکیل کمیته ایزو 9000

6-تدوین روش‏های تضمین کیفیت

7-تدوین خطمشی کیفیت

8-استقرار نظام مناسب ارزش‏یابی‏ و گزارش‏دهی

9-آموزش کارکنان

10-ارزیابی نهایی

و فعالیتهای اجرایی سری استاندارهای‏ ایزو 9000 عبارتند از:

1)-شناخت وضع موجود و تعیین‏ اختلافات و مغایرت‏ها

2)-ایجاد بستر لازم برای اجرای‏ استانداردهای ایزو 9000

3)-طراحی و اجرای برنامه‏ استقرار استانداردهای ایزو 9000

4)-ارزیابی پیش از ممیزی نهایی‏ و تهیه گزارش آن

5)-ممیزی نهایی

فعالیتهای اجرایی در نهایت منجر به اخذ گواهینامه می‏شود.گواهینامه کیفیت‏ مجوزی است که براساس آن دارنده‏ گواهینامه می‏تواند ادعا کند که‏ سیستم‏های کیفیت در درون آن سازمان‏ مطابق با این استاندارد است.این گواهی‏ توسط سازمانهای ممیزی‏کننده معتبر صادر می‏شود و اعتبار ان مستقیما"،اعتبار سازمان صادرکننده بستگی دارد.

دعوت از شرکت‏های معتبر گواهی دهنده‏ باید در صورت پیاده‏سازی یکی از مدلهای‏ تضمین کیفیت و پس از انجام ممیزی‏ داخلی و اولیه و کسب آمادگی‏های لازم‏ انجام گیرد.

در نمودار زیر فرآیند کیفیت براساس‏ استانداردهای سری ایزو 9000 برای‏ شرکتهای تولیدی و خدماتی ارائه شده‏ است:

پیش‏نیاز اساسی ایزو 9000،مزایا و محدودیت‏های آن

برنامه‏های کیفیت‏ ایزو 9000 و سایر موارد مستلزم پیش‏ نیاز اساسی زیر برای موفقیت است: تعهد مدیریت براساس درک واقعی از دامنه‏ و ماهیت فرآیند این درک شامل این‏که چه‏ فرآیندی باید پیگیری گردد.اهداف‏ فرآیند چه هستند و مدیریت چه چیزی‏ را باید تغییر بدهد.

در هر حال باید مواظب مدیریتی که‏ هدفش گرفتن گواهینامه به هر قیمت‏ است بود زیرا برکارایی و سودآوری شرکت‏ تاثیر منفی خواهد گذاشت.و حتی ممکن‏ است اثر منفی بر روی کیفیت بگذارد.برای‏ موفقیت مدیریت باید درک کند هدف‏ از اجرای روش سیستم مدیریت کیفیت‏ ایزو 9000،تعیین فرآیندها،مسئولیتهای‏ تعریف شده روشن،اختیارات‏ و پاسخگویی در مقابل عناصر نیازمندیهای مندرج در یکی از مدلهای‏ انتخابی تضمین کیفیت ایزو 9000، بررسی هر بند از سیستم کیفیت برای‏ زدودن هر فعالیت بی‏ارزش و زائد، اطمینان از لحاظ شدن هرکدام‏ از نیازمندیهای و ایجاد یک روند مستمر بهبود کیفیت است.

از طرفی اجرای سیستم‏های کیفیت‏ ایزو 9000،با مزایای زیر همراه است:

-کاهش هزینه‏ها

-افزایش سهم بازار

-افزایش سود

-صرفه‏جویی در منابع

-استفاده بهینه از جمله نیروی انسانی، ماشین‏ها،و مواد انرژی و غیره

-کاهش ضایعات،درباره کاری‏ و مشکلات مشتری

-بهبود تصویر و قابلیت اعتماد شرکت‏ در بازارهای بین المللی که برای موفقیت‏ در صادرات اساسی و ضروری است.

البته برای شناخت بیشتر توانائیهای‏ ایزو 9000 باید به محدودیت‏های آن نیز توجه کرد که به‏طور خلاصه‏ محدودیتها را بدین‏گونه می‏توان برشمرد:

1)محدودیت در تعریف کیفیت.تعریف‏ ارائه شده فقط به معنای اجرای تعهدات‏ پذیرفته شده است.

2)محدودیت در افزایش بهره‏وری، مکانیزم خاصی برای تقلیل هزینه‏های‏ تولید و افزایش بهره‏وری در این‏ استانداردها پیش‏بینی نشده است. بنابر این در شرایطی که بهره‏وری یکی‏ از عوامل تعیین‏کننده برای‏ حضور در بازارهای رقابتی داخلی و خارجی‏ مطرح است به کارگیری مکانیزم‏های‏ افزایش بهره‏وری مانند مکانیزم درست‏ از اول و مدیریت بهنگام‏ و دیگر مکانیزم‏های پیش‏بینی شده‏ مدیریت کیفیت فراگیر جهت افزایش‏ بهره‏وری باید مدنظر قرار گیرند.

3)محدودیت در ارتقاء کیفیت و توسعه‏ و مکانیزم‏های ارتقاء کیفیت به صورت‏ محدود و نه تعیین‏کننده به کار گرفته شده‏ است.

4)محدودیت در تاثیر مثبت بر محیط زیست.

موفقیت طرح ابتکاری استانداردهای‏ سری ایزو 9000،جامعه مدیریت زیست‏ محیطی را بر آن داشت‏ تا ابزار قدرتمند مشابهی را در قالب‏ استاندارهای سری ایزو 9000 با هدف‏ رفع مشکلات زیست محیطی مشاغل‏ را در اختیار آن قرار دهد.

نخستین پیش‏نویس استانداردهای‏ بین المللی سری ایزو 14000 در مورد مدیریت زیست محیطی در سال 1995 منتشر گردید.این استانداردها نیز همانند سری ایزو 9000 کاربردی عمومی دارند. استقبالی که صنعت و تجارت نسبت به‏ این سیستم جدید نشان داد نمایانگر آن‏ است که استانداردهای سری ایزو 14000 برای مدیریت زیست محیطی‏ همانقدر حائز اهمیت خواهد بود که‏ استانداردهای ایزو 9000 برای مدیریت‏ کیفیت سازنده بوده‏اند.

در حال حاضر توجه بسیاری به‏ استانداردهای سیستم مدیریت که توسط کمیته 1207 ایزو تهیه شده و هم اکنون به‏ مراحل نهایی می‏رسند معطوف گردیده‏ است.هدف این کار تدوین استانداردهای‏ دیگری از سری ایزو 9000 است که خدمت‏ مدیریت زیست محیطی هستند شامل‏ برچسب‏گذاری زیست محیطی،ارزیابی‏ اجرای برناه‏های زیست محیطی‏ و ارزیابی چرخه زندگی تدوین سه‏ استاندارد مربوط به مقررات برچسب‏ گذاری زیست محیطی مدرک بین المللی‏ واقعی از عباراتی نظیر"قابلیت بازگشت به‏ چرخه‏"و"دوستداران لایه اوزون‏"را باعث‏ خواهد شد.

به کارگیری استانداردهای سری ایزو 9000 در مورد فرآورده‏های کشاورزی

برای به کارگیری این استانداردها ابتدا باید به وضعیت فعلی تولیدکنندگان‏ محصولات کشاورزی و بهینه‏سازی‏ ترکیب واحدهای و ضرورت تجاری شدن‏ کشت توجه نمود و سپس با ارزیابی‏ و مستندسازی مراحل کار با مشخص شدن‏ نقاط ضعف و معضلات به چاره‏جویی‏ مناسب پرداخت.از طرفی در مرحله‏ شناخت لازم است به مسائل و مشکلات‏ مدیریتی شرکت‏های تولید و خدماتی‏ کشور توجه کرد که مهمترین آن عبارتند از:

1)مشکل فرهنگی.عدم اعتقاد به‏ دورنگری و برنامه‏ریزی برای آینده‏ و وابسته بودن به فرد مشخص.

2)مشکلات ساختار مدیریت. ساختار مدیریت در سازمانهای تولیدی‏ و خدماتی در کشور بر پایه مدیریت‏ کلاسیک استوار بوده است.

از بعد حضور در بازارهای بین المللی‏ و استمرار حضور در بازارهای معتبر و شناخته شده ضرورت ایجاب می‏نماید که هرچه سریعتر آمادگی لازم و تهیه‏ مقدمات بررسی شرکت‏های تولیدی‏ صادراتی و صادراتی و تعاونیهای صادراتی‏ این فرآورده‏ها با توجه به توانائیهای تولید در حال حاضر و پیش‏بینی‏های انجام شده‏ برای برنامه دوم توسعه و توانائیهای بالقوه‏ آینده آن فراهم شود.

بر جدول زیر ظرفیت و امکانات بالقوه‏ صادرات خشکبار برآورده شده است:

ظرفیت‏ها و امکانات بالقوه صادرات خشکبار(ارقام به هزار تن)

ماخذ:کتاب برنامه دوم و برآوردهای‏ کارشناسی.

البته باید توجه داشت که مجهز شدن به‏ استانداردهای سری ایزو 9000 یکی‏ از ابزارهای مهم برای تحقق این اهداف‏ است.و به کارگیری ابزارهای دیگر نیز باید به‏طور جدی مدنظر قرار گیرند.البته با به‏ کارگیری سیستم مدیریت کیفیت‏ در بخش صادرات فرآورده‏های کشاورزی‏ و رفع مشکلات قانونی صادرات به‏ نظر می‏رسد امکانات بالقوه صادراتی برای‏ سال 78 بیش از ارقام پیش‏بینی شده‏ باشد.بعلاوه با استفاده از محصولات‏ و فرآورده‏های مورد بررسی در صنایع‏ تبدیلی و ارزش افزوده قابل توجه آن‏ ارتقاء کیفیت در آن بخش نیز به کارگیری‏ استانداردهای خواهد بود.

نتیجه‏گیری

بررسیها نشان می‏دهد یکی از موانع‏ عمومی توسعه صادرات بخش کشاورزی‏ مشکلات مربوط به استاندارد و ضرورت به‏ کارگیری استانداردهای بین المللی کنترل‏ و تضمین کیفیت برای صادرکنندگان این‏ بخش است.خواست مصرف‏کنندگان‏ برای توجه بیشتر به کیفیت فرآورده‏های‏ مورد بررسی ایجاب می‏نماید که به رفع‏ مشکلات استاندارها در داخل و بالا بردن‏ سطح استانداردهای ملی و پیاده‏سازی‏ پایه‏ای و اصولی استانداردهای بین المللی‏ برای حفظ و افزایش سهم بازار همت‏ گماریم.

منبع:مقاله ارائه شده‏"نقش‏ استانداردها در گسترش صادرات‏ فرآورده‏های کشاورزی‏"در نهمین کنگره‏ منابع غذایی،فرهاد محمدی،آذرماه 75